



The Recognition of Jurisprudential and Legal of Investigation in the Discovery of Economic Offences (Permission or Interdiction)

Seyed Hassan Jafariansuteh¹, Kiumars Kalantari*², Abbas Tadayyon¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 135-147

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-9624-1559

TELL: +989111123338

Email: kalantar@nit.ac.ir

Article history:

Received: 21 Feb 2025

Revised: 09 May 2025

Accepted: 20 June 2025

Published online: 22 Dec 2025

Keywords:

*Economic Offense,
Differential Procedure,
Recognition of
Jurisprudential, Permission
or Interdiction.*

ABSTRACT

Economic offense is one of the major challenges facing human societies, especially in developing countries. because economic-political-political security threatens the sovereignty of citizens. In the meantime, regardless of the nature of the economic crimes, it is important to adopt different strategies for detecting, prosecuting, prosecuting and enforcing the verdict on the one hand, the characteristics of economic criminals in terms of social personality and the position of the perpetrator in terms of the type of their relationship with the structure of governance and influence on political, social and economic structure and on the other hand the use of criminal opportunities and special techniques different from traditional crimes along with the supervisory approaches of these criminals complicates the process of trial investigation and discovery of truth. the use of a different approach to public criminal justifies proceedings to achieve the truth. Understanding the need for this, international organizations are also seeking to explain the differentiated methods of criminal proceedings, because the nature of the criminal behavior of economic offenders and its tricky nature, along with low visibility, wide range of risk, having specific information with a black criminal record, makes the general methods of litigation to study the reason at this stage ineffective. Therefore, it is an inevitable necessity to differentiate all the steps of the criminal procedure in economic offences in order to transition from the inefficiency of the general.



This is an open access article under the CC BY license. © 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Jafariansuteh, SH; Kalantari, K & Tadayyon, A (2025). "The Recognition of Jurisprudential and Legal of Investigation in the Discovery of Economic Offences (Permission or Interdiction)". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(4): 135-147.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

بازشناسی فقهی حقوقی مفهوم تجسس در کشف جرایم اقتصادی (جواز یا نهی)

سیدحسین جعفریان سوتنه^۱، کیومرث کلانتری^{۲*}، عباس تدین^۱

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

بزهکاران اقتصادی با بهره‌مندی از ساختارهای موجود در فضای اقتصادی و با ابتنا بر نفوذ سیاسی و اجتماعی در جامعه با استفاده از جایگاه والای ظاهری که در اختیار دارند، مرتکب جرم می‌شوند. جرایم اقتصادی غالباً بزه‌دیده یا متضرر واقعی ندارد، زیرا به‌جهت ساختار و فرایند شکل‌گیری، بیشتر در داخل تشکیلات ادارات و سازمان‌ها رخ می‌دهد و دارای رؤیت‌پذیری اندکی هستند. به همین دلیل به‌کارگیری شیوه‌های پنهان‌کارانه نظیر تجسس می‌تواند در کشف این جرایم مؤثر باشد، هرچند تجسس در نظام اسلامی با حرمت همراه است، اما در صورت تعارض و تنافی بین تجسس با سایر عناوین دیگر باید مطابق قاعده تراحم عمل کرد و اهم را به‌دست آورد و آن را مقدم داشت. به همین دلیل حاکم اسلامی در مواردی می‌تواند با توسل به احکام ثانویه و ادله نقلی و عقلی مطلق حرمت تجسس را تخصیص زده و با استثنائاتی همراه سازد، چندان‌که در برخی موارد حکومت اسلامی می‌تواند برای تحصیل دلیل، به تجسس از حریم خصوصی افراد بپردازد، چه این‌که هیچ اصل و قاعده‌ای نیست که استثنا نداشته باشد. بنابراین در مواردی مانند جرایم اقتصادی استفاده از شیوه‌های غیرمعمول برای تحصیل دلیل از نظر شرعی قابل پذیرش است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۵-۱۴۷

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۱۵۵۹-۹۶۲۴-۰۰۰۲-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۱۱۱۲۳۳۳۸

ایمیل: kalantar@nit.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

جرایم اقتصادی، تجسس، کشف جرم،

جواز یا نهی شرعی، حریم خصوصی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

بزهکاران اقتصادی در مقایسه با سایر مجرمین از حساسگری و عقلانیت مجرمانه بیشتری برخوردارند. این دسته از مجرمین با بهره‌مندی از ساختارهای موجود در فضای اقتصادی و با اتبنا بر نفوذ سیاسی و اجتماعی در جامعه با استفاده از جایگاه والای ظاهری که در اختیار دارند، مرتکب جرم می‌شوند. بی‌جهت نیست که در علم جرم‌شناسی به این دسته از افراد بزهکاران یقه‌سفید می‌گویند (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۳: ۲۹۲). این دسته از بزهکاران عمدتاً دارای جایگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خاص در جامعه و ارکان حاکمیتی هستند، بدین‌سان کشف این جرایم به‌جهت رؤیت‌پذیری اندک، گستردگی خطر، برخورداری مرتکب از اطلاع خاص با دشواری‌های فراوانی همراه است. همین امر سبب می‌گردد تا کشف و تعقیب این جرایم با راهبردهای نوینی نظیر بهره‌مندی از مخبران اقتصادی و تحقیقات مخفی ناشی از نفوذ در حریم خصوصی این افراد صورت گیرد. بنابراین با توجه به این‌که جرایم اقتصادی دارای دامنه وسیعی هستند و امنیت اقتصادی کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهند، یکی از راهکارهای کشف، استفاده از خبرچین‌هایی است که در زمینه جرایم اقتصادی فعالیت می‌کنند. با این همه محل نزاع، بررسی ساختارهای فقهی و جنبه‌های جواز یا نهی استفاده از این شیوه است. از دیدگاه فقهی مفهوم تجسس و ادله‌های پیرامون آن در بازشناسی جواز یا عدم جواز این راهبرد جهت کشف جرایم اقتصادی حائز اهمیت است. بر این مبنا از مجموع ادله، حرمت تجسس برداشت می‌شود، اما با توجه به موارد نوظهور و بهره‌مندی از قاعده فقهی تزاحم می‌بایست اهم و اصلح را در جواز یا نهی بهره‌مندی از این شیوه بررسی نمود و آن را مقدم کرد. همچنان‌که از مفاد و محتوای روایات، حرمت تجسس دارای حدود مشخصی بوده و در تمام مصادیق حکم حرمت ندارد. در هر صورت پرسش اصلی پژوهش آن است که آیا به‌کارگیری شیوه تجسس برای کشف جرایم اقتصادی که عموماً به‌صورت غیرمشهود هستند، جواز شرعی دارد؟ جهت

پاسخ به این پرسش ابتدا باید جرم اقتصادی را از نگاه فقهی و حقوقی تبیین نمود، سپس به بررسی مفهوم تجسس و ادله ناظر بر آن پرداخت تا بتوان پاسخ مشخصی در جواز یا عدم جواز بهره‌مندی از این شیوه در خصوص جرایم اقتصادی در متون و روایات اسلامی یافت. روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی - توصیفی بوده و سعی بر آن است تا با ارائه مستندات نظری و عقلی فرضیه این تحقیق مبنی بر جواز شرعی بهره‌مندی از مخبران اقتصادی در کشف جرایم اقتصادی احراز گردد. از حیث سابقه پژوهش نیز، هرچند مقالاتی در خصوص مفهوم تجسس وجود دارد، اما هیچ‌یک از این مقاله‌ها موازین تجسس را از جایگاه جرایم اقتصادی و موازین حاکم بر کشف جرم در نظام دادرسی کیفری مورد بررسی قرار نداده‌اند. از این جهت مقاله حاضر فاقد سابقه پژوهشی مشابه است.

۱- تحلیل فقهی - حقوقی جرم اقتصادی

جرم اقتصادی در نظام کیفری از پدیده‌های نوظهور محسوب می‌گردد. علی‌رغم این‌که قانون‌گذار در بند «ج» ماده ۴۷ و بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی عنوان جرایم اقتصادی را به‌کار برده است، اما تاکنون تعریفی در این مورد ارائه نشده. با این همه به‌نظر برخی از حقوق‌دانان جرم اقتصادی عبارتند از: جرایمی که در قوانین مربوطه به حمایت از فعالیت‌های اقتصادی آمده است، اعم از این‌که در قانون به‌عنوان جرم اقتصادی پیش یا در قوانین دیگری که فعالیت‌های اقتصادی را تنظیم می‌کند، تعریف شده باشد (زراعت، ۱۳۹۰: ۱۲). برخی نیز عقیده دارند جرایم اقتصادی، جرایمی هستند که با انگیزه مادی و با ماهیت فعالیت‌های اقتصادی راتکاب می‌یابد (عشماوی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). در تعریف دیگری نیز عده‌ای کلیه اقدامات مجرمانه که موجبات زیان به نظام تولید، توزیع و مصرف را فراهم می‌سازد، مشمول جرایم اقتصادی می‌دانند (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۷۱). از منظر فقهی نیز نگارندگان علی‌رغم بررسی فراوان همانند یافته‌های حقوقی تعریف مشخصی از بزهکاری اقتصادی به‌دست نیاورده‌اند، اما پرواضح است جرایم اقتصادی از نظر گاه یافته‌های فقه امامیه دارای مبانی شرعی

۱- از جمله «بررسی فقهی و حقوقی تجسس و موارد استثنایی آن» توسط صالحی و همکاران در مجله «مبانی فقهی حقوقی اسلامی» یا «تبیین فقهی و بررسی فقهی تجسس در فعالیت‌های اطلاعاتی - امنیتی» در فصلنامه «کاوشی نو در

فقه» به کوشش سلیمانی و همکار یا «بررسی قلمرو جاسوسی در عملیات روانی از منظر فقه اسلامی» به تحقیق مرادی و همکاران در فصلنامه «پژوهش فقه و مبانی حقوق اسلامی».

متعددی است. از آن جمله می‌توان به قاعده «حرمت اکل مال به باطل» در آیات ۲۹ سوره نساء و آیه ۱۸۸ سوره بقره اشاره کرد، چندان که شیخ طوسی با تفسیر آیه ۱۸۸ سوره بقره تملک اموال دیگران بر حسب ظلم و تعدی مثل خیانت و سرقت و غصب و اکتساب اموالی که از راه غیرمشروع مانند قمار و امثال آن را اکل مال به باطل است (طوسی، ۱۴۰۱: ۳۸/۲). فیض کاشانی نیز در تفسیر آیه فوق تصرفات و تملکات از طریق باطل را در زمره امور غیرحلال و غیرمشروع قرار داده و معتقد است که آیه همه را دربر می‌گیرد و میان اخبار تنافی وجود ندارد (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲۲۶). صاحب تفسیر المیزان نیز در توضیح آیه شریفه ۱۸۸ سوره بقره می‌فرماید: «منظور از باطل سوگند دروغ است که به وسیله آن اموال مردم را برپایند.» این یکی از مصادیق باطل و از نظر ایشان مشمول اطلاق قاعده است (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۷۵)، چندان که در وسائل الشیعه به نقل از عمرو بن قیس بیان شده است: «به امام صادق (ع) عرض کردم چگونه بر کسی که از حد تجاوز کند، حد قرار داده شده است؟ فرمودند خداوند در اموالی حد قرار داده که تنها، از راه حلال تحصیل می‌شوند، بنابراین کسی که از راه حرام تحصیل مال کند دستش قطع می‌شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۱۴/۱۷). افزون بر آن در نهج البلاغه آمده است: «اگر مالی به ناحق به کسی داده شده باشد، آن مال را اگر کابین زنان شده باشد، به بیت‌المال باز می‌گردانم»، بدین‌سان از نظرگاه شرعی هم تحصیل نامشروع مال و هم تطهیر مال نامشروع حرام می‌باشد، چندان که اگر کسی مالی را به‌عنوان مقدمه جرم به‌دست آورد و بعد آن را با هبه یا مهریه‌قراردادن به دیگری منتقل کند، باز هم مصداق اکل مال به باطل و موجب حرمت است. بنابراین از نظر اسلام هرگونه تصرف در اموال باید براساس حق، عدالت و قسط باشد و هرچه غیر آن باشد، حرام و باطل است (یوسفی مراغه و همکاران، ۱۳۹۲). بدین‌سان جرم اقتصادی با توجه به معیارهای فقهی و حقوقی جرمی است که در ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی و با هدف کسب سود و منافع مالی به‌صورت نامشروع تعرض به حقوق مالکانه دیگران صورت می‌گیرد و سبب آسیب به ساختارهای نظام اقتصاد اسلامی می‌شود. در هر حال جرایم

اقتصادی به‌شکل خاص و فنی با رویت‌پذیری اندک و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فنی و قانونی و به‌شکل سازمان‌یافته صورت می‌گیرند که کشف آنان را با دشواری همراه می‌کند. به همین دلیل بهره‌مندی از برخی شیوه‌ها نظیر تجسس در حریم خصوصی این دسته از بزهکاران از طریق به‌کارگیری مخبران اقتصادی حائز اهمیت است، اما باید جواز یا نهی شرعی این اقدام نیز مورد توجه قرار گیرد. در ابتدای امر آیه ۱۲ سوره حجرات می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا...» که در تفسیر آن حرمت تفحص از اموری است که مردم می‌خواهند پنهان بماند (اردبیلی (محقق اردبیلی)، بی‌تا: ۴۱۷). درحقیقت گمان بد عاملی است برای جستجوگری و جستجوگری عاملی است برای کشف اسرار و رازهای نهانی مردم، اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که رازهای خصوصی آن‌ها فاش شود. به تعبیر دیگر اسلام می‌خواهد مردم در زندگی خصوصی خود از هر نظر در امنیت باشند. بدیهی است اگر اجازه داده شود هرکس به جستجوگری درباره دیگران برخیزد، حیثیت و آبروی مردم بر باد می‌رود و جهنمی به‌وجود می‌آید که همه افراد اجتماع در آن معذب خواهند بود. بر این اساس با توجه به ویژگی جرایم اقتصادی خبرچینی مخبران اقتصادی از منظر جواز یا نهی شرعی می‌تواند محل نزاع باشد.

۲- بررسی فقهی حقوقی مفهوم تجسس

تجسس در لغت به معنی «دست‌زدن یا با دست لمس کردن و جستجوکردن و کسب خبر و خبرجویی و در معنی مجاز نگاه کردن از سر کنجکاوی برای شناسایی دیگران» است (آذرنوش، ۱۳۸۶: ۸۵). در تفسیر ابن کثیر تجسس، تلاش برای کسب خبر است به قصد فتنه‌انگیزی (ابن کثیر قرشی دمشقی، بی‌تا: ۲۱۴)، برخی از فقهای معاصر معتقدند در مورد مسأله تجسس در شریعت اسلامی مصطلح شرعی یا متشرع خاصی وجود ندارد (مشکینی اردبیلی، ۱۳۸۶: ۱۲۸)، هرچند تجسس صریحاً در قرآن کریم به‌موجب آیه ۱۲ سوره حجرات نهی شده است. بر مبنای تفسیر این آیه، احاد مسلمین را مورد توجه قرار می‌دهد و مراد از آن نهی از جستجو در زشتی‌ها و گناهان است (الوسی، ۱۳۷۰: ۱۷۵/۵). بر این اساس یکی از معانی‌ای

۱- آیه ۱۸۸ سوره بقره می‌فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَذَلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ»، آیه ۲۹ سوره نساء: «یا ایها

الذین آمنوا لئلا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل إلا أن تكون بظاهرة عن تراضٍ منكم، ولما تقتلوا أنفسكم، إن الله كان بكم رحيماً.»

که در متون فقهی و روایی تجسس به کار برده شده است، تجسس از عورات و زشتی‌ها و اسرار افراد است، در نتیجه در منابع فقهی معنی شرعی یا اصطلاحی خاص متشرعی در خصوص تجسس مورد استفاده قرار نگرفته است و از این حیث تعریف تجسس، تعریفی جزء شرح اسم نخواهد بود. در متون حقوقی ایران نیز قانون‌گذار به تبیین مفهوم و معنای تجسس نپرداخته است، چه این که مفهوم تجسس موکول بودن آن به عرف و لغت است، البته برخی از حقوق‌دانان تجسس را جمع‌آوری اطلاعات و مدارک سری و طبقه‌بندی شده راجع به مسائل و شرایط و اوضاع و احوال سیاسی یا اقتصادی معنی کرده (ولیدی، ۱۳۷۵: ۳۵۵)، عده‌ای نیز جمع‌آوری اطلاعات و اسناد قابل استفاده یک کشور خارجی بر ضد امنیت یک کشور یا گروه یا سازمان یا افرادی تعریف نموده‌اند (گارو، ۱۳۹۹: ۴۴۴/۳). امروزه مفهوم تجسس با هدف کشف جرم در مفهوم تحقیقات مقدماتی به کار برده می‌شود، چندان که برابر ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری تحقیقات مقدماتی مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله و قوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود. بر این اساس تجسس در مفهوم حقوقی شامل تفتیش و بازرسی، تحقیق محلی و کارشناسی گردیده و هم می‌تواند نفوذ و تحقیقات مخفی و به‌کارگیری مخبران در جرایمی نظیر مواد مخدر یا جرایم اقتصادی را شامل شود، همچنان که قانون‌گذار با تبیین مفهوم حقوقی حمل و نظارت تحت کنترل و تحقیقات مخفی و نفوذ در قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی سال ۱۳۸۹ جواز شرعی آن را نیز از شورای نگهبان دریافت نمود. به موجب ماده ۴۳ این قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اجازه دارد در چهارچوب موافقت‌نامه‌های قانونی دو یا چندجانبه بین جمهوری اسلامی ایران و سایر دولت‌ها با مشارکت مأمورین دیگر کشورها به منظور شناسایی مجرمین موضوع این قانون، ردیابی منابع مالی، کشف طرق ورود یا عبور محموله‌های قاچاق از کشور، کشف وسایل یا مکان کشت یا تولید یا ساخت مواد مذکور با تنظیم طرح عملیاتی و درخواست فرمانده نیروی انتظامی با حکم دادستان کل کشور، محموله‌های تحت کنترل را در قلمرو داخلی و با موافقت سایر

کشورها در قلمرو آن کشورها مورد تعقیب قرار داده و پس از تکمیل تحقیقات، گزارش اقدام را به دادستان کل کشور یا قاضی‌ای که او تعیین می‌کند، تسلیم نماید. هرگونه تغییر در طرح عملیاتی مذکور در حین اجرا با مجوز کتبی دادستان کل کشور بلامانع است. در خصوص جرایم اقتصادی باتوجه به این که بسیاری از این جرایم به صورت غیرمشهود و در قالب اقدامات حقوقی و تجاری اشخاص مختلف حقوقی یا حقیقی صورت می‌گیرد، بهره‌مندی از این شیوه می‌تواند در کشف این جرایم کمک نماید. واقع امر آن است جرایم اقتصادی، از قبیل قاچاق اختلاس و بعضاً ارتشا به‌طور نوعی بزه‌دیده یا متضرر حقیقی ندارد، زیرا جرایم اقتصادی به جهت ساختار و فرایند شکل‌گیری بیشتر در داخل تشکیلات ادارات و سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی رخ می‌دهد و کمتر در مکان‌های عمومی به وقوع می‌پیوستند. بزه‌دیده آن‌ها شخص حقوقی و در بیشتر موارد دولت است، لذا شاکی ندارند و موارد اعلام جرم به دادگاه و نهادهای تعقیب هم کم می‌باشد (یوسفی مراغه و همکاران، ۱۳۹۲). افزون بر این، به‌کارگیری شیوه‌های فعالانه و کشف و تعقیب این جرایم می‌تواند از وقوع بزه‌های اقتصادی سازمان‌یافته پیشگیری نماید، چندان که هیچ‌کس نمی‌تواند مزیت ایجاد یک دیوار بی‌اعتمادی میان بزهکاران را نادیده بگیرد، چه این که بی‌اعتمادی، آنان را نسبت به یکدیگر مظنون کرده و هراس در میانشان ایجاد می‌کند. با این همه استفاده از مخبران جهت کشف و تعقیب این جرایم با چالش‌ها و تردیدهای عمده‌ای می‌تواند روبه‌رو شود. توجه به رعایت حقوق متهم در راستای دادرسی عادلانه، تعارض با اصل مشروعیت تحصیل دلیل و هزینه‌مند بودن کاربرد مخبران، از جمله مواردی هستند که استفاده از این راهبرد را مورد تردید قرار می‌دهند. بنابراین در این‌گونه عملیات، تأمین امنیت جامعه و حفظ مصلحت نظام از مهم‌ترین اصولی است که در برابر مجرمانی که با تیزهوشی از قانون فرار می‌نمایند، به کار گرفته شود، چه این که در پهنه بزهکاری اقتصادی، باتوجه به جایگاه اجتماعی این دسته از بزهکاران و پیچیده بودن مناسبات آنان و عدم دسترسی آثار ارتکاب جرم سبب می‌شود که نمی‌توان بدون به‌کارگیری رفتار مخفیانه در مواردی که مقتضی است به کشف و تعقیب جرم نائل شد، لذا جرایم اقتصادی بدون بزه‌دیده مانند

حق الناسی ترویج و ترجیح خطاپوشی با تأکید بر اصلاح خود و جبران خطاست (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۸۶). در جرایم حق الهی نیز گرایش به سمت کیفی‌زدایی و بزه‌پوشی با حاکمیت قاعده قبح عقاب بالاییان و قاعده دراه می‌باشد، اما پرواضح است که حاکم اسلامی در بسیاری موارد می‌تواند در جهت مقاصد اسلامی این اصل را تخصیص زده و با استثنائاتی همراه سازد، چندان که در برخی موارد حکومت اسلامی می‌تواند برای تحصیل دلیل به تجسس از حریم خصوصی افراد بپردازد (مشکینی اردبیلی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). چه این که هیچ اصل و قاعده‌ای نیست که استثنا نداشته باشد، همچنان که گفته‌اند «مامن عام الا وقد خُص»، بنابراین در مواردی مانند جرایم اقتصادی به جهت ویژگی‌های این جرایم تنها راه برای کشف جرم، استفاده از شیوه‌های غیرمعمول برای تحصیل دلیل است، همچنان که در احکام اولیه شارع بدون استثنا نبوده و احکام ثانوی آن حکمی را که شارع آن را با نظر به حالت استثنایی جعل می‌کند و در مقابل حکم اولی قرار می‌دهد تا مصالح و مفاسد موضوع مشخص، در نظر گرفته شود (حائری یزدی، ۱۴۱۸: ۲۵۳). افزون بر آن تمسک به قاعده حفظ نظام اسلامی می‌تواند جوازی بر ترجیح استثنا بر اصل باشد، چه این که مراد از نظام ساختار عامی است که انسان‌ها با حفظ آن ساختار و تطبیق حرکات خویش در آن به سعادت می‌رسند (علی‌دوست، ۱۳۸۸: ۱۲۵). این درحالی است که برجسته‌ترین مفهوم نظام در نزد فقها در متون فقهی نظام اسلامی است. منظور از آن نیز سازمان دین، موجودیت و استقرار حاکمیت اسلام است و شامل ایدئولوژی و محتوای دین، سازمان‌های عهده‌دار آن موجودیت عینی دین در جامعه و حالت استیلا بر حاکم و نفوذ معنوی و اجرایی اسلام در عینیت جامعه می‌باشد (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۳۵). این درحالی است که ارتکاب جرایم اقتصادی پیامدهای متفاوتی نسبت به سایر جرایم داشته و موجب سلب اعتماد عمومی آحاد مردم به ساختارهای حکومت اسلامی می‌گردد. در افق عمومی، بی‌ثباتی بازارهای مالی، رخدادهای سیاسی و اجتماعی جامعه نسبت به فرایند اقتصادی و تأثیرپذیری این موارد در سطوح مختلف جامعه از نتایج این قبیل جرایم است، چه این که جرایم اقتصادی، بزهکاری مبتنی بر تزویر است، بدین صورت که بسترهای جرم تزویرآمیز،

قاچاق کالا و یا حتی برخی جرایم اقتصادی آمیخته به فساد مانند (رشا و ارتشا) را نمی‌توان با در نظر گرفتن فرض شکایت شاکی موجبات تعقیب را فراهم آورد. به همین دلیل ضرورت تحقیق و کشف ایجاب می‌کند که در مواردی کنشگران خط اول عدالت کیفری با حضور در هسته‌های مجرمانه و با تعیین برنامه‌ای مشخص سعی در کشف این جرایم داشته باشند. ترسیم دام‌گستری و طرح جرم توسط مأمور و تدارک آن برای شخصی است که تنها به حيله، فریب و اغوای مأمور، تمایل به ارتکاب آن پیدا کرده است، می‌باشد (یزدیان جعفری، ۱۳۸۴: ۱۱۸). از این رو کشف و تعقیب بعضی از جرایم نظیر جرایم اقتصادی به منظور اثبات محکومیت مرتکبان آن‌ها اغلب برای پلیس با دشواری و مشکلاتی همراه است. مأموران پلیس برای تأمین اهداف خود، گاهی اوقات از روش‌هایی استفاده می‌کنند که در آن‌ها خود، پدیدآورنده فعل مجرمانه شاهد آن هستند تا باتوجه به ادله به دست آمده در لحظه ارتکاب جرم، موجبات تعقیب محکومیت فرد مجرم را فراهم آورند (معظمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۶). به نظر می‌رسد که امکان بهره‌مندی از جواز شرعی به کارگیری تجسس در گروه‌های مجرمانه اقتصادی وجود داشته باشد، اما نکته مهم این است که تجسس در مقابل اصل مشروعیت تحصیل دلیل از چه جایگاهی برخوردار است. به همین جهت در ادامه به بررسی تعارض بین مشروعیت تحصیل دلیل و مفهوم تجسس می‌پردازیم.

۳- مشروعیت تحصیل دلیل از رهگذر تجسس

نظام آزادانه تحصیل دلیل در تقابل با نظام تحصیل دلیل به شیوه مشروع است. در نظام دادرسی اسلامی اثبات جرم و تحصیل دلیل از طریق ادله خاص بیان شده است. در این صورت آن چه غیر از ادله منصوص باشد، مستلزم برخورداری از پشتوانه معتبر شرعی و قانونی است، بدین سان اصل صیانت از حقوق فردی و کرامت انسانی و احترام به تمامیت حریم خصوصی افراد اقتضا می‌کند که تحصیل دلیل از روش‌های مشخص و در موارد استثنایی با منصوص شرعی یا حکم ثانویه‌ای که در امتداد حکم اولیه است، همراه باشد (درگاهی، ۱۳۹۳: ۷۹). پرواضح است رویکرد حقوق جزای اسلامی در خصوص تحصیل دلیل را باید براساس مفاهیم حق الناس و حق الله در نظر گرفت. سیاست جنایی اسلام در مورد جرایم

گرفته نمی‌باشد، استفاده کرد، زیرا ادعای اطلاق بهره‌مندی از شیوه‌های تحصیل دلیل غیرمعمول و ناشی از تجویز احکام ثانویه موجب تالی فاسد خواهد شد.

۴- ادله فقهی ناظر بر امکان تجسس در کشف جرایم اقتصادی

با بررسی و مذاقه در ادله جواز تجسس می‌توان این دلایل را بر دو دسته دلایل عقلی و نقلی تقسیم نمود. توضیح این که این دلایل در یک دیدگاه کلی بر مبنای احکام ثانویه قابل تفسیر هستند. مراد از حکم در فقه تشریحی است که از طرف خداوند برای منظم ساختن زندگی انسانی صادر شده است (صدر، ۱۴۱۸: ۵۳) و حکم ثانوی آن حکمی است که شارع مقدس آن را با نظر به حالت خاص و استثنایی جعل می‌کند و در مقابل حکم اولی است و با توجه به مصالح و مفاسد موضوع مورد نظر جعل شده است (حائری یزدی، ۱۴۱۸: ۲۵۳). اصولاً یکی از امتیازات فقه امامیه در مقایسه با مذاهب فقهی دیگر، شناسایی حکم ثانوی در طول حکم اولی است. این حکم شرعی و واقعی و شامل کسانی است که در موقعیت استثنایی قرار دارند. بدیهی است حرمت تجسس یکی از احکام اولیه است که جزء بنیان‌های نظام اجتماعی در اسلام است، اما بنابر درک مقابله با پدیده‌های نوظهور و با تمسک به پویایی احکام و ضرورت بهره‌مندی از یافته‌های جدید به حکم احکام ثانویه جواز تجسس قابل تصور است.

۱-۴- دلایل نقلی

میرهن است که به جهت پذیرش احکام ثانویه فقه امامیه می‌توان آیات یا روایاتی را که سبب رجحان استثناء (تجسس) بر اصل (عدم تجسس) است، ملاحظه نمود: اول این که امیر مؤمنان علی (ع) در مورد مراقبت از رفتار کارگزاران حکمتی به مالک اشتر فرمودند که از اعمال کارگزاران تجسس و تفحص کن و جاسوسان و عیونی از اهل صدق و وفا بر آن‌ها قرار بده، پرواضح است در جامعه امروزی بررسی و تجسس در احوال کارگزاران حکومتی در مقابله با فساد اقتصادی نقش به‌سزایی دارد. همان‌طور که پیش‌تر بیان گردید، ارتکاب جرایم اقتصادی نظیر اختلاس، ارتشا و جرایم بانکی و گمرکی توسط افرادی صورت می‌گیرد که در مناصب مهم اداری و اجتماعی حکومت اسلامی قرار دارند. به عبارت دیگر یکی از ویژگی‌های بزهکاران

ساختارها و ابزارهای فعالیت اقتصادی مشروع مانند بخش‌های مالی، حوزه رقابت، بودجه، مصرف و مبادلات تجاری را مورد هدف قرار می‌دهد (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۷۶). بنابراین توسل به احکام اولیه و عدم جواز در برخورداری از احکام ثانویه و استثنایی موجب خواهد شد که ساختارهای حاکمیت اسلامی مورد تعرض قرار بگیرد. بر همین اساس از منظر شرعی نیز آیه ۵۴ سوره آل عمران یا آیه ۵۰ سوره نمل که می‌فرماید: «مکروا ومکر الله ومکرنا مکرنا و هم لایشعرون» می‌تواند جوازی برای به‌کارگیری تجسس و خبرچینی با هدف کشف یک امر «شر» باشد. در این مفهوم بزهکاری اقتصادی با توجه به آثار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که در سطح کلان جامعه از خود بر جای می‌گذارد، از این دسته می‌باشند، بدین‌سان حرمت تجسس به هنگام تراحم با اهم «شانی» بوده و جایگاه «فعلی» ندارد. از این رو تجسس جایز است. چنان‌چه تحقق اهم وابسته به تجسس باشد و این تجسس به ارتکاب مقدمات حرام وابسته باشد، در اینجا حرمت ارتکاب مقدمات شانی می‌باشد و مانعی برای اجرای تجسس نیست. بنابراین برای حفظ اهم و به حکم عقل، انجام مقدمات جایز خواهد بود (صالحی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۷)، چندان که امام رضا (ع) فرمودند: «هرگاه پیامبر (ص) لشگری را به مأموریت می‌فرستاد، بر آنان فرماندهای می‌گماشت و بر آن فرمانده عده‌ای از افراد مورد اعتماد قرار داده تا آن حضرت را از اوضاع و احوال و اخبار مطلع سازد» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۴)، بدین‌سان در مواردی که ارتکاب جرم به جهت تزویرآمیز بودن، پنهان‌کاری مرتکبین و برخورداری آنان از طبقه بالای اجتماعی و به صورت سازمان‌یافته همراه می‌گردد. شیوه‌های معمول تحقیق مناسب کشف نمی‌باشد. بنابراین تنها راهبردی که می‌تواند در کشف این جرایم مؤثر باشند، به‌کارگیری از شیوه‌های خاص تجسس نظیر تحقیقات مخفی یا به‌کارگیری مخبران و اقدامات پنهانکارانه است (تدین، ۱۳۹۱: ۲۳۱)، در هر صورت نتایج اصل مشروعیت تحصیل دلیل ظهور در آن دارد که به‌کارگیری شیوه‌های استثنایی باید منحصر باشد و صرفاً در مواردی که کشف حقیقت از این رهگذر امکان‌پذیر است، صورت گیرد، لذا اقدامات مرتبط با تجسس باید در محدوده جرایم مورد نظر باشد و به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان از آن در کشف سایر جرایمی که موضوع ارتکاب مقدمات صورت

اقتصادی وجود نفوذ در طبقات مختلف اقتصادی و سیاسی می‌باشد که امکان ارتکاب این قبیل جرایم را برای آنان فراهم می‌آورد، بدین‌سان تجسس در امورات مالی منصوبین حکومتی با تمسک به این روایت می‌تواند دلیلی بر جواز آن باشد؛ دوم این که پس از برپایی حکومت اسلامی توسط رسول اکرم (ص) به درخواست ایشان با گماشتن عیون ثابت یا دادن مأموریت ویژه به افرادی در مواردی و موضوعات تفحص صورت می‌گرفتند. در مواردی نیز اصحاب برحسب وظیفه اخبار را به‌صورت پنهانی و مخفیانه حاصل نموده و به اطلاع رسول گرامی اسلام می‌رسانند (دعموش‌العالمی، ۱۳۸۷: ۵). بنابراین با تکیه بر وجوب احامک ثانویه می‌توان در مواردی به جواز تجسس نظر داد.

۲-۴- دلایل عقلی

مهم‌ترین دلیل که می‌تواند جواز تجسس در شرایط فعلی در خصوص کشف جرایم اقتصادی باشد، دلایل عقلی است. این دلایل را می‌توان شامل دلیل حفظ نظام اسلامی، قاعده لاضرر و حرمت اختلال دانست.

۱-۲-۴- حفظ نظام اسلامی

ملاک وجوب حفظ نظام، مطابق با قاعده مصلحت عمومی جامعه است. به‌عبارت دیگر حفظ نظام به حفظ مصلحت عام برمی‌گردد، چنان که اخلال در آن، نادیده‌گرفتن همین مصلحت است. از این‌رو حفظ نظام واجب است، بدین‌سان آحاد جامعه مأمور به حفظ نظام هستند و از هتک و اخلال آن نهی شده‌اند و از این جهت حفظ نظام اسلامی و پایداری آن از دیگر وظایف دولت اسلامی است (موسوی خمینی، ۱۴۱۸: ۶۶۵). این درحالی است که حفظ حکومت اسلامی بدون کسب اطلاعات و اخبار در سطوح مهم جامعه به حکم عقل امکان‌پذیر نیست، چندان که ارتکاب جرایم اقتصادی به‌جهت آثار مخرب آن در سطح جامعه موجب بی‌اعتمادی مردم به ساختار حکومت اسلامی می‌گردد. از این‌رو حکومت اسلامی با تحت نظر قراردادن کارگزاران و مأمورانی که در ارتکاب جرایم اقتصادی نقش به‌سزایی دارند، موجب مهار قدرت به‌منظور تأمین حقوق و آزادی‌های عمومی است. حکومت اسلامی با کسب اخبار و آگاهی‌های کافی درباره اوضاع تحرکات و تلاش‌های دولت برنامه‌های ضدساختاری

حکومتی را رصد می‌کند و به همین دلیل بر نهی نظارت و تجسس در جرایم اقتصادی و افق فقهی آن وجود ندارد، چندان که مطالعه سیره عملی پیامبر در اداره حکومت و تذکر به والیان و استانداران و به‌کارگماشتن عیون مختلف، لزوم بازرسی و تجسس را در حکومت اسلامی به‌منظور حفظ نظام آشکار می‌سازد. بر همین اساس برای کشف اخبار و کشف برخی حقایق پنهان، درجایی که لزوم تقدم اهم بر مهم جاری است. در تراحم میان حرام‌بودن تجسس و ورود به حریم خصوصی افراد معیار اهم‌بودن حجت است که باید از آن بهره‌مند گردید (خوئی، ۱۴۲۰: ۲۷۸)، همچنان که ادله حرمت ورود به حریم خصوصی افراد، هنگام تراحم با ادله حفظ نظام اسلام و مراعات مصلحت عمومی جامعه، به مرحله فعلیت نمی‌رسد و در مرحله شانی باقی می‌ماند. همین امر سبب می‌گردد تا دستگاه‌های اطلاعاتی و نظارتی در ورود به حریم خصوصی افراد با توجه به میزان تشخیص اهمیت آن، به تجسس و تفحص اقدام نمایند (خرازی، ۱۳۸۰: ۴۷)، بدین‌سان با ابتنا بر احکام ثانویه و به‌جهت مقاصد خیر، استثنای امر تجسس بر اصل آن رجحان داشته و جوازی بر انجام تجسس می‌باشند. بنابراین از بارزترین عوامل حفظ نظام اسلامی آن است که در جامعه اسلامی همگان به احکام اسلام عمل کنند. برای مثال، همگان در وهله اول به رعایت حرمت تکلیفی تجسس از امور پنهانی مکلف هستند. از این‌رو عدم امتثال به این حکم موجب اخلال نظام است، اما در صورتی که حفظ نظام اسلامی مرتبط با نقض برخی احکام ابتدایی و اصول اولیه باشد و عمل به آن در شرایط خاص موجب اخلال نظام گردد، حکم شرعی اسلام از عنوان حکم اولی به حکم ثانوی تبدیل می‌شود. به‌عبارت دیگر، وقتی حرمت تجسس و عمل مطابق آن موجب اخلال در نظام گردد و مصلحت عموم جامعه ظهور در ورود پنهان و تجسس با هدف کشف جرایم مرتبط با حکومت اسلامی صورت گیرد، حکم به ورود به حریم خصوصی و تجسس از آن به‌عنوان یک شیوه و به‌کارگیری مصادیق متعدد تجسس در برخی فروض واجب است (درگاهی، ۱۳۹۳: ۸۸). بر این اساس نمی‌توان به بهانه اطلاق حرمت تجسس در روایات از تشریح حکم ثانویه و بهره‌مندی از شیوه‌های ضروری برای جلوگیری از مفاسد بیشتر خودداری کرد.

۲-۲-۴- قاعده لاضرر

تمسک به قاعده لاضرر، از جمله ادله جواز تجسس در کشف جرایم اقتصادی است، زیرا اطلاق قاعده لاضرر ظهور در آن دارد تا از ورود ضرر به ساختارهای حکومت اسلامی و راه‌های اکل مال به باطل جلوگیری شود. در واقع قاعده لاضرر یک قاعده بنیادین در نظام حقوقی اسلامی است. این قاعده اختصاص به موضوع خاصی ندارد. اهمیت این قاعده به اندازه‌ای است که برخی از آن به‌عنوان رمز هماهنگی اسلام با پیشرفت‌ها و توسعه فرهنگ یاد کرده‌اند و آن را از قواعدی دانسته‌اند که بر سرتاسر فقه حکومت دارد. از این‌رو کنترل و تعدیل قواعد و قوانین دیگر را برعهده می‌گیرد (مطهری، ۱۳۵۱: ۳۶). از این‌جهت دلیلی بر محصوربودن این قاعده در عبادات و معاملات و عدم تسری به سایر احکام وجود نداشته و در بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی و حقوقی نوین نیز می‌توان از آن بهره برد، همچنان‌که گفته‌اند اگر فقه دایرمدار پنج قاعده باشد، یکی از آنان قاعده لاضرر است (سیوطی، بی‌تا: ۱۱۵). بر این اساس، هرچند قاعده لاضرر قدرت مشروعیت‌بخشی به اجبار کیفری را نداشته و نمی‌تواند به‌طور ایجابی بگوید که در چه رفتاری می‌توان مداخله کرد، اما این تفسیر مانع از آن نیست که این قاعده بتواند در فرایند جرم‌انگاری‌های ضروری یا شیوه‌های کشف ضروری جرایمی که موجب وهن نظام اسلامی و آموزه‌های دینی است، جلوگیری کرده یا به‌کارگیری شیوه‌های خاص برای مقابله با برخی جرایم را با مانع روبه‌رو سازد (روستایی، ۱۳۹۴: ۷۱)، چندان‌که امام خمینی باب قاعده لاضرر آن را یک حکم حکومتی دانسته و معتقدند که ضرر و زیان افزون بر اختصاص به امور مالی و جانی بر امور اعتقادی و وحدت جامعه اسلامی هم تسری دارد. از این‌رو باید نسبت به هر اقدامی که موجب تشکیک مردم و پریشانی آنان می‌شود، جلوگیری کرد (موسوی خمینی، ۱۴۱۸: ۳۱). پرواضح است که آثار جرایم اقتصادی از یک‌سو موجب تعرض به اموال مردم می‌شود و از سوی دیگر جامعه اسلامی را دچار یک تفرقه و تردید می‌نماید. بر این اساس حاکم اسلامی لازم است ابزار لازم برای دفع ضرر از مردم و نظام سیاسی جامعه را فراهم سازد، همچنان‌که امام خمینی جایگاه اجتماعی و شرعی قاعده لاضرر را این‌گونه

تبیین می‌کنند که چون پیامبر اکرم (ص) قاعده لاضرر را براساس منصب زعامت و رهبری تبیین نموده‌اند. از این‌جهت هرگونه ضرر و زیانی به مسلمان را نهی می‌کند (موسوی خمینی، ۱۴۱۸: ۳۰)، بدین‌سان بهره‌مندی از مفاد قاعده لاضرر و بنای عقلانی دفع افسد به مفسد و لزوم حفظ مصلحت در جامعه اسلامی موجب می‌شود تا بتوان از رهگذر تجسس به‌واسطه یک حکم ثانویه برای کشف جرایم اقتصادی بهره‌مند شد.

۳-۲-۴- حرمت اختلال در نظام اسلامی

مفهوم نظام و اختلال در آن امری نسبی است. در زمان‌ها و مکان‌های مختلف مصداق‌های گوناگون دارند. نظام‌مندی، باتوجه به ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر جامعه‌ای تعریف می‌شود و به همین لحاظ، از یک جامعه تا جامعه دیگر متفاوت است. توضیح بیشتر این‌که در جوامع مختلف، هنجارها و ارزش‌هایی گوناگون وجود دارد که در آن جامعه محترم شمرده می‌شود و جایگاهی مهم در نظم عمومی آن اجتماع دارد. گستره و اهمیت این ارزش‌ها، بسته به نوع فرهنگ‌ها، از جامعه‌ای تا جامعه دیگر متفاوت است (باقی‌زاده و امیدی فرد، ۱۳۹۳: ۱۷۷)، آن‌چه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت داشته و فعل یا ترک فعل آن مورد اختلال در نظام اسلامی است. پس از تشخیص موضوع، قابلیت پیگیری و بررسی دارد، البته باید تصریح شود که هریک از متصدیان اجرا نباید از حدود مقرر تجاوز نمایند، در غیر این صورت مجرم شناخته می‌شوند و تعقیب قانونی و تعزیر شرعی دارند (موسوی خمینی، ۱۴۲۲: ۵۱۰). پرواضح است که نظام در معنای حکومت اسلامی، معمولاً همراه با پسوند اسلامی آمده و نیز تنها در کتاب‌ها و کلمات فقهای معاصر به کار رفته است. برای نمونه گفته شده است: «بر همه مسلمانان لازم است که قوانین و مقررات نظام اسلامی را محترم بشمارند» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۲۹۸). همچنین گفته شده است: «اگر کسی از قانونی که مغایر با نظام اسلامی است اطلاع پیدا کند، واجب است برای حل این مشکل و حذف قوانین مخالف با احکام اسلام، آن را به مقامات مسؤول بالاتر اطلاع دهد» (خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ۴۸۵) و نیز آمده است: «نشر اخباری که موجب ضعف نظام اسلامی می‌باشد، جایز نیست» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷:

نتیجه‌گیری

مناسبات اجتماعی ناگزیر از رعایت الزامات مرتبط با آن است. از یک سو حرمت تجسس که در شمارگان احکام اولیه قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، جواز آن از رهگذر احکام ثانویه و باتوجه به آیات و روایات و دلایل عقلی اشاره‌شده برای حفظ نظام اسلامی واجب است. بر این اساس در مورد تجسس در جرایم اقتصادی باتوجه به ادله مورد بررسی، نظر به این که چنانچه تجسس برای قصد خیر و مقابله با ضرر بزرگ‌تر باشد، از باب رجحان دفع افسد به مفسد قابل پذیرش است، زیرا جرایم اقتصادی به‌صورت غیرمشهود و با رؤیت‌پذیری اندکی و در قالب پیچیدگی‌های خاص اجرایی به‌صورت سازمان‌یافته و عموماً پنهان‌کارانه صورت می‌گیرد. به همین خاطر کشف این جرایم با تکیه بر راهکاری معمول شرعی و قانونی بسیار دشوار است. از سوی دیگر عدم کشف آن موجب تضعیف نظام حاکمیت اسلامی و از میان‌رفتن اعتماد عمومی به حکومت می‌گردد. بنابراین درصورت تعارض و تنافی میان تجسس با عناوین و حالات مختلف دیگر، باید بر مبنای قاعده تزام عمل کرد و اهم و اصل را به‌دست آورده، سپس بر یک اصل برتری داد، اما جهت حفظ اصل باید توجه داشت که با گمان و احتمال نمی‌توان حکم بر جواز تجسس صادر نمود. به عبارت دیگر باتوجه به احکام ثانویه تجسس باید تا جایی پیش رود که ضرورت نقض حریم خصوصی ایجاد می‌نماید و بر سایر عیوب یا خطاهای پنهانی غیرمرتبط توجه نشود. در واقع ورود نهادهای نظارتی و کاشف جرم درصورت حصول علم اجمالی به وقوع عملی برخلاف موازین قانونی و شرعی جایز است. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که همواره صدور جواز تجسس به‌صورت صریح و با یک محدوده مشخص شرعی باشد. همچنین از کشف اتفاقی سایر جرایم یا دلایل غیرمرتبط با جرم اصلی با تأکید بر مفهوم بزه‌پوشی خودداری گردد. افزون بر آن، باید این حکم از سوی افراد دارای صلاحیت و مقامات مشخصی که درخصوص پرونده مورد نظر فعالیت می‌کنند، صورت گرفته و شیوه انجام آن نیز در دستورات قضایی تصریح شود. بنابراین نقض حرمت تجسس باید به حد اقتضای ضرورت باشد و چنانچه در حین تجسس به مواردی غیر از موضوع تجسس علم حاصل نمایند، حق افشای آن را نداشته باشند.

۱۴۰/۲). این درحالی است که غفلت از جرایمی که با هدف مقابله با نظام اسلامی صورت می‌گیرد، می‌تواند مقدمه‌ای برای ایجاد اختلال در امور جامعه باشد. از این رو برای حفظ نظم جامعه و پیگیری از اختلال در نظام اسلامی باید در مواردی تجسس را به حکم عقل جایز دانست، چندان که برابر برخی از مصادیق قانونی جرایم اقتصادی، این دسته از جرایم می‌توانند با هدف مقابله با نظام اسلامی صورت می‌گیرند، از جمله این موارد می‌توان به ماده ۲ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی اشاره کرد. براساس این قانون هریک از اعمالی که در این قانون به‌عنوان جرم مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. «چنانچه به قصد ضربه‌زدن به نظام جمهوری اسلامی یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام باشد، در حد افساد فی الارض است.» بنابراین جرایم اقتصادی می‌توانند با هدف مقابله با نظام اسلامی صورت گیرند و از این حیث ارتکاب آن در حد وسیع می‌تواند موجب اختلال در کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه گردد (سلیمانی، ۱۳۹۴: ۹۱). بر همین اساس اقدام به تجسس در این گونه جرایم باتوجه به این که شیوه ارتکاب این جرایم عمدتاً به‌صورت پنهان و غیرمشهود و مبتنی بر تزویر است، مشمول جواز عقلی ارتکاب تجسس قرار می‌گیرد. بنابراین شکی نیست که آن چه سبب برهم‌ریختن نظام زندگی و معیشت جامعه می‌شود، ممنوع و حرام است. همچنین اقداماتی که برای حفظ نظام جامعه ضرورت دارد، واجب است. اگر بین حفظ نظام و دیگر احکام شخصی یا اجتماعی تزام واقع شود، حفظ نظام بر آن‌ها مقدم است، زیرا حفظ نظام از واجباتی است که شارع مقدس به هیچ‌وجه به ترک آن راضی نیست. از این رو حاکم جامعه اسلامی موظف است در مقام تزام حفظ نظام با امور دیگر، حفظ نظام را مقدم بدارد، بدین سان در مواردی که جزء به امکان تجسس و پنهان‌کاری، امکان کشف جرم اقتصادی وجود نداشته باشد، مانعی برای تجویز شرعی تجسس برای مقابله با شکل‌گیری بزهکاری اقتصادی نیست، چندان که غیرمشهود بودن و رؤیت‌پذیری اندک این جرایم به‌همراه اقدامات فنی و پیچیده آن بقای ضرورت تمسک به این حکم ثانویه را مدلل می‌سازد.

- حائری یزدی، شیخ عبدالکریم (۱۴۱۸). *درر الفوائد*. چاپ ششم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- حر عاملی، محمد (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. جلد هفدهم، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البیت (ع)، لاحیا التراث.

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۲۴). *اجوبه الاستفتائات*. چاپ اول، قم: دفتر معظم له.

- خرازی، سیدمحسن (۱۳۸۰). «کاوشی در حکم فقهی تجسس». *مجله فقه اهل بیت*، ۷(۲۶): ۱۴۲-۵۲.

- خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۲۰). *اجود التقريرات*. تقریرات محقق نایینی، چاپ اول، قم: انتشارات مصطفوی.

- درگاهی، مهدی (۱۳۹۳). «حدود اختیارات دستگاه‌های اطلاعاتی در ورود به حریم خصوصی افراد از منظر فقه امامیه». *مجله کاوشی نو در فقه*، ۲۱(۸۲): ۹۴-۷۷.

- دیموش‌العاملی، علی (۱۳۸۷). *دایره‌المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی*. ترجمه غلامحسین باقری مهبیاری و رضا گرمابدری، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).

- روستایی، مهرانگیز (۱۳۹۴). «مقایسه تطبیقی اصل ضرر و قاعده لاضرر در توجیه مداخلات کیفری». *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۱۹(۲): ۷۴-۵۱.

- زراعت، عباس (۱۳۹۱). *حقوق کیفری اقتصادی*. چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.

- سلیمانی مرتضی و سلیمانی، یاسر (۱۳۹۴). «تبیین و بررسی فقهی تجسس در فعالیت‌های اطلاعاتی - امنیتی». *فصلنامه کاوشی نو در فقه*، ۲۲(۲): ۱۰۲-۷۹.

- سیوطی، جلال‌الدین (بی‌تا). *تنویر الحوالک*، شرح موطاء الاسلام مالک. جلد دوم، چاپ اول، قاهره: مطبعه مصطفی محمد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: مشترک.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- ابن کثیر قرشی دمشقی، اسماعیل (بی‌تا). *سیره ابن کثیر*. تصحیح مصطفی عبدالواحد، بیروت: دارالحیاء.

- اردبیلی (محقق اردبیلی)، محمد (بی‌تا). *زبد البیان فی احکام القرآن*. قم: مکتبه الجعفریه لاحیاء آثار الجعفریه.

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۶). «وام واژه‌های فارسی در نشواره المحاضره تنوخی (قرن چهارم) به قیاس وام واژه‌های کهن‌تر». *مجله نامه فرهنگستان*، ۹(۴): ۶۷-۴۸.

- آلوسی، شهاب‌الدین (۱۳۷۰). *روح البیان فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثمانی*. جلد پنجم، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.

- باقی‌زاده، محمدجواد و امیدی فرد، عبدالله (۱۳۹۳). «ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه». *فصلنامه شیعه‌شناسی*، ۱۲(۴۷): ۲۰۰-۱۷۰.

- تدین، عباس (۱۳۹۵). *تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری*. چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.

- جمشیدی، علیرضا (۱۳۸۸). *پیشگیری از جرایم اقتصادی از اقدام‌های قضایی تا اقدامات اجرایی*. چاپ اول، نخستین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، به کوشش محمد فرجیها و سیدمحمدحسین سرکشیکیان، تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا.

- صافی گلیپگانی، لطف‌الله (۱۴۱۷). جامع الاحکام. جلد دوم، چاپ چهارم، قم: انتشارات حضرت معصومه.
- صالحی، سیده‌هادی، صالحی، سیدمهدی و نیکخواه سرنقی، رضا (۱۳۹۷). «بررسی فقهی حقوقی تجسس و موارد استثنایی آن». *مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی*، سال ۱۱(۲۱): ۹۷-۷۷.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۸). *دروس فی علم الاصول*. چاپ پنجم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۱). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد (بی تا). *التبیین فی التفسیر القرآن*. جلد دوم، چاپ اول، قم: مکتب اعلام الاسلامی.
- ع شماوی، سعدالدین محمد (۱۳۸۶). *مروری بر جرایم اقتصادی کشورهای عربی*. ترجمه سیدعیسی حسینی و محمدرضا نصرالهی، چاپ اول، تهران: نشر کارگاه.
- علی دوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *فقه و مصلحت*. چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴). *قواعد فقه سیاسی (مصلحت)*. چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فیض کاشانی، محمدحسن (۱۴۰۶). *الوفی*. اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی (ع).
- گارو، رنه (۱۳۹۹). *مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا*. ترجمه و تطبیق سیدضیال‌الدین نقابت، جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- مرادی، علی؛ طیبی جلی، مرتضی؛ حیدری، محمدعلی و علی اکبری بابوکانی، احسان (۱۳۹۷). «بررسی قلمرو جاسوسی در عملیات روانی از منظر فقه اسلامی». *فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۱۱(۳): ۹۷-۷۵.
- مشکینی اردبیلی، علی اکبر (۱۳۸۶). *اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها*. قم: نشر الهادی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۱). *نظام حقوقی زن در اسلام*. چاپ اول، تهران: انتشارات صدرا.
- معظمی شهلا؛ گلدوزیان، حسین و وحید دستجردی، فاطمه (۱۳۹۰). «رویکردی تطبیقی به مسؤولیت طرفین دام گستری (مأمور پلیس متهم) در حقوق کیفری ایران و آمریکا». *فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی*، ۱۳(۴): ۱۸۰-۱۴۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷). *استفتائات جدید*. چاپ دوم، قم: نشر مدرسه علی ابن ابی طالب (ع).
- موسوی خمینی، سیدروح‌اله (۱۴۲۲). *استفتائات*. چاپ پنجم، قم: انتشارات دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- موسوی خمینی، سیدمصطفی (۱۴۱۸). *تحریرات فی الاصول*. چاپ اول، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- مهدوی، محمود؛ ساداتی، سیدمحمد مهدی و حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۶). «مبانی جرم‌نگاری جرایم اقتصادی در فقه امامیه». *مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴(۱): ۱۱۱-۱۳۴.
- میرسعید، سیدمنصور و زمانی، محمود (۱۳۹۲). «جرم اقتصادی، تعریف یا ضابطه؟». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۲(۴): ۱۶۷-۱۹۹.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۹۳). *دانشنامه جرم‌شناسی*. چاپ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۷۵). *حقوق جزای اختصاصی (جرایم بر ضد امنیت آسایش عمومی)*. چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۴). «دام گستری، جایگاه، مبانی و مفهوم در حقوق کیفری ایران». *مجله فقه و حقوق*، ۲(۶): ۱۱۵-۱۳۲.

- یوسفی مراغه، مهدی؛ سعادت، علی و زارع مهدوی، قادر
(۱۳۹۲). «علل ارتکاب جرایم اقتصادی و راهکارها». فصلنامه
انتظام اجتماعی، ۵(۳): ۱۶۹-۱۴۵.